

# «سرا» می‌تواند محور تصمیم‌سازی انتخاباتی و غیرانتخاباتی اصلاح‌طلبان باشد

## گفت‌وگویی «اعتماد» با فرج کمیجانی، دبیرکل مجمع فرهنگیان درباره آینده اصلاحات:

آقای کمیجانی! انتخابات تمام شد و اصلاح‌طلبان درحالی که هیچ‌کانه دیدایی نداشتند، به تعبیری یا از قول گروهی ناکام این انتخابات لقب گرفتند. نگاه و ارزیابی‌تان به عملکرد جریان اصلاحات در انتخابات از چه قرار است؟

نکته بسیار مهمی که در ادامه مسیر جریان اصلاحات باید مدنظر تمامی طیف‌ها و احزاب اصلاح‌طلب باشد، حفظ انسجام و اتحاد درونی در جریان اصلاحات است و بر این اساس لازم است که اصلاح‌طلبان انسجام خود را حفظ کنند و البته معتقدم در حال حاضر نیز شاهد چنین انسجامی در جریان اصلاحات هستیم و اصلاح‌طلبان به‌رغم تمامی مسائل و مصایبی که در مسیرشان ایجاد شد، موفق به حفظ این انسجام شده و هم‌اکنون نیز شاهد چنین انسجامی هستیم که دست‌کم به صورت نسبی وجود دارد. بحث دیگر بحث آسیب‌شناسی عملکرد و رفتارمان در گذشته و در واقع انتخاباتی است که پشت سر گذاشتیم. بر این اساس تاکنون 2 جلسه در جبهه اصلاحات ایران به این منظور گردهم آمدیم و دوستان نظرات و دیدگاه‌های خود را مطرح کرده و بحث‌های بسیار خوبی مطرح شده است. این روند البته کماکان ادامه دارد و ما اتفاقاً هیچ‌عجله‌ای برای اتمام این روند نداریم، بلکه می‌خواهیم با طمأنینه و دقت این روند آسیب‌شناسی را طی کنیم. اما آنچه اکنون می‌توان گفت این است که اصلاحات زنده است و حتماً نسبت به عملکرد خود ارزیابی خواهد داشت و آنچه را که در این مدت توسط نهادها و احزاب مختلف دنبال شد، بررسی می‌کنیم و کنار مردم نسبت به پیگیری مطالبات جامعه اقدام خواهیم کرد.

فارغ از بحث دولت که به نحوی دولت مورد حمایت جبهه اصلاحات بود، در شهرداری و مشخصاً شورای شهر تهران و برخی کلانشهرها اصلاح‌طلبان

موفق به آن شدند که نیروهای مورد حمایتشان را وارد ساختار کنند. اکنون در پایان فعالیت 4 ساله این شوراها با توجه به انتقادهایی که نسبت به عملکرد اصلاح طلبان در این حوزه مطرح است، ارزیابی‌تان از عملکرد این جریان سیاسی چیست؟

طبیعتاً انتقادهایی به عملکرد شورای شهر تهران و چند شهر دیگر که اصلاح طلبان در آنها اکثریت داشتند، مطرح شده و میشود که البته کاملاً طبیعی است. واقعیت آن است که نیروهایی که با حمایت اصلاح طلبان سر کار آمدند، عملکردی داشتند که بخشی راضی‌کننده و مثبت بوده و البته بخشی هم مورد انتقاد قرار دارد و جریان اصیل اصلاحات را راضی نکرده است. آنچه مسلم است آن است که تمامی این مسائل در حال ارزیابی است و انشاءالله در موعد مقرر و پس از اتمام این روند نسبت به اطلاع‌رسانی دقیق نتایج بررسی و آسیب‌شناسی جریان اصلاحات اقدام خواهد شد. طبیعتاً این مسائل تا زمانی که به جمع‌بندی نرسیدیم، قابل اعلام نیست اما آنچه مسلم است اتحاد جریان اصلاحات است که بر فعالیت ما حاکم است و تا وقتی این اتحاد وجود داشته باشد، ما این فعالیت را ادامه خواهیم داد.

**تاکیدی ویژه بر «اتحاد» و همچنین «انسجام درونی» جبهه اصلاحات داشتید، در جریان انتخابات اخیر به خصوص در چند روز پایانی که طیفی از احزاب عضو جبهه اصلاحات به سوی حمایت از یکی از 4 کاندیدای باقی مانده در صحنه رفته و طیفی با اصرار بر آنچه در بیانیه جبهه اصلاحات مورد تأکید قرار داشت، همچنان گفتند که قادر به حمایت از هیچ کاندیدایی نیستند، آیا این خود نشان‌دهنده نوعی عدم انسجام درونی جبهه اصلاحات نیست؟ برخی ناظران معتقدند که این وضعیت نشان‌دهنده آن است که ما اساساً با «یک جریان اصلاحات» روبه‌رو نیستیم و در عمل این دو**

جریان سیاسی متفاوت و البته نزدیک به یکدیگر است و در حالی که در بهترین حالت این دو طیف سیاسی می‌توانند موتلف انتخاباتی یکدیگر باشند و بعضا به اشتباه آنها را در یک قالب تصور می‌کنند و به همین دلیل فرصت انتخابات 1400 می‌تواند این امکان را فراهم کند که اصلاح‌طلبان تکلیف خود را از این حیث روشن کرده و هر طیف با تابلو و پرچم خود فعالیت کند، نظر شما در این رابطه چیست؟

به هیچ‌وجه چنین نگاهی که ما دو دسته هستیم، قبول ندارم و فکر می‌کنم جریان اصلاحات حتما یکپارچگی خود را حفظ خواهد کرد. باید توجه داشته باشیم که در همین انتخابات که به گفته شما شاهد چنین وضعیتی بودیم جوانان اصلاح‌طلبی که غالبا عضو احزاب نبودند، وارد برخی ستادها شده و فعالیت انتخاباتی ستادی را دنبال می‌کردند. حال آنکه با توجه به شرایطی که ایجاد شد، کلیت جریان اصلاحات هیچ‌وقت دنبال فعالیت تشکیلاتی و نظام‌مند در این انتخابات نبود و در واقع از آنجا که اجازه فعالیت داده نشد، فعالیت نیز انجام نگرفت. با این همه در آستانه برگزاری انتخابات مصوبه‌ای به تصویب جبهه اصلاحات رسید و این مجوز در اختیار احزابی که تمایل به حمایت از یکی از کاندیداها داشتند، قرار گرفت تا در صورت صلاحدید حزبی، اقدام کنند. در واقع تاکیدم این است که چه آن دسته از احزاب عضو جبهه اصلاحات که وارد کار انتخاباتی شده و شرکت کردند، چه آن طیفی که بنابر مصوبه جبهه اصلاحات وارد نشدند، هر دو در راستای مصوبه جبهه اصلاحات فعالیت کردند و بحث اختلاف نبود. جبهه اصلاحات به این نتیجه رسید که به نام کلیت جبهه اصلاحات واقعا قادر به معرفی کاندیدا نیست. در عین حال بعضی احزاب که یکی از کاندیداها را به خود نزدیک می‌دانستند، از جانب جبهه اصلاحات تحت فشار نبودند و جبهه این احزاب را نیز آزاد گذاشت که در صورت تمایل اقدام کنند که آنها هم عملا قادر به انجام کاری نبودند، چراکه فرصت زمانی وجود نداشت و تمام فعالیتشان به همان یک بیانیه محدود شد. آقای همتی در تمامی 31 استان حتی یک سخنرانی نداشت. همچنین ستاد این کاندیدا ستاد قدرتمندی نبود که بتواند کاری جدی را دنبال کند که البته زمان هم نداشتند. بحکم این است که همه در راستای اجرای

مصوبه جبهه اصلاحات حرکت کردند، چه آنها که شرکت کردند و چه آنها که شرکت نکردند، هر دو در همین مسیر فعالیت کردند. به هر حال این وضعیت ناشی از دودستگی نبوده است. نکته دیگر اینکه نتیجه پیشاپیش مشخص بود و کسانی که می‌گویند جریان اصلاحات شکست خورده، نگاه دقیقی به صحنه ندارند؛ چه آنکه جریان اصلاحات اساساً کاندیدایی نداشت و به این انتخابات ورود نکرد. وقتی شما در مسابقه‌ای شرکت نمی‌کنید، طبیعتاً امکان اینکه شکست بخورید، وجود ندارد. جریان اصلاحات هم به‌رغم میل باطنی خود، در این انتخابات شرکت نداشت و در واقع اجازه داده نشد که فعالیت کنند. ما هم‌اکنون در حال بررسی شرایط و آسیب‌شناسی دقیق گذشته هستیم و قطعاً با انسجام به راه خود ادامه خواهیم داد.

**در جریان این انتخابات طرح سرا یا همان سامانه رای‌سنجی جریان اصلاحات نیز مورد آزمون قرار گرفت.**

بگذارید ابتدا به یک نکته در این رابطه اشاره کنم. وقتی یک جریان سیاسی خواهان ورود به یک انتخابات سراسری است، طبیعتاً باید مقدماتی را فراهم کند؛ از جمله اینکه حداقل از 6 ماه قبل ساختار خود را سراسر کشور از جمله شهرستان‌ها و روستاها تعریف کند اما وقتی می‌بینیم شرایط به نحوی پیش می‌رود که قرار نیست اجازه ورود داده شود، طبیعتاً اگر بیانه‌ای با هر محتوایی صادر شود، تاثیرگذار نخواهد بود. آنچه مسلم است این است که جریان اصلاحات برای ورود به انتخابات نتوانست هیچ کار موثری انجام دهد و تنها اقدام تشکیل جبهه اصلاحات بود که در سطح تصویب برخی اهداف و راهبردها اقدام شد که البته اتفاق بسیار ضروری و مثبتی هم بود اما برای اجرایی شدن این راهبردها اقدامی نشد و طبیعتاً در این شرایط بحث به ناکامی در جلب آرای خاکستری یا پایگاه اجتماعی جبهه اصلاحات نمی‌رسد و بحث ماقبل این مسائل است. به هر حال وقتی 9 کاندیدا معرفی کنید و هر 9 نفر رد صلاحیت شوند، طبیعتاً امکان حمایت از نفر دیگر هم نخواهد بود؛ چراکه تعهدی به تشکیلات نخواهد داشت و در نهایت به وضعیتی شبیه به وضع این مدت می‌رسیم که آقای روحانی پس از انتخابات کار خود را انجام داد و کاری با اصلاحات نداشت، به همین دلیل به جریان اصلاحات اجازه فعالیت داده نشد.

**پرسشتم این است که اجرای ایده «سرا» را در**

## عمل چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به هر حال 21 عضو «لیست جمهور» که برای انتخابات شورای شهر تهران معرفی شد، از طریق همین سازوکار «سرا» تعیین و انتخاب شدند. منتها باید به جایی برسیم که چنین طرحی قابلیت اجرای سراسری داشته باشد شورای دیگر شهرهای کشور نیز از این طریق انتخاب شوند. اما آنچه مسلم است از همین تجربه محدود انتخابات اخیر در آینده به طرز مطلوب بهره‌برداری خواهد شد.

اما در همین پایتخت هم آیا عملکرد و اجرای طرح مطلوب بود. به هر حال لیست با تاخیر منتشر و انتقادهایی درباره چگونگی تدوین آن مطرح شد. اما فارغ از آن، اگر به یک نمونه اشاره کنیم این است که بنا بر طرحی که روی کاغذ موجود بود، امکان استفاده از نظرات حدود 45 هزار نفر وجود داشت اما در عمل چنین نشد و نهایتاً چیزی در حدود 8 تا 10 هزار نفر مشارکت داشتند و طبیعتاً به جای آنکه لیست نهایی، برآمده از رای 45 هزار نفر از کنشگران حزبی و غیرحزبی منتسب یا نزدیک به جریان اصلاحات باشد، برپایه نظر و رای تعدادی محدودتر شکل گرفت.

ببینید متأسفانه مشکلاتی در اجرای این طرح از جمله بحث احراز هویت افراد عضو طرح وجود داشت که باید مرتفع شود، اما همین مساله به هر حال باعث شد تعداد چشمگیری تمایل به حضور نداشته باشند. با این همه با توجه به تجربه‌ای که در اجرای ایده و طرح «سرا» در انتخابات شورای شهر دوره ششم تهران داشتیم، قطعاً در ادوار بعد چه در بحث انتخابات شوراها و چه دیگر انتخابات، با رفع ایرادهای طرح، آن را به شیوه‌ای به نسبت بهتر اجرایی و عملیاتی خواهیم کرد.

شاید مهم‌ترین و در واقع بهترین ویژگی ایده «سرا» امکان واقعیت بخشیدن به رابطه میان اصلاح‌طلبان و بدنه اجتماعی که معمولاً در انتخابات مختلف به این جریان سیاسی و کاندیداهایش رای داده و می‌دهند. ارتباطی که در این سالها به بزنگاه‌های انتخاباتی محدود شده و سوال اساسی این است که آیا «سرا» در آینده می‌تواند امکان اعمال نظر در تصمیم‌گیری‌های جبهه اصلاحات را برای شهروندان فراهم کند؟ نکته مهم دیگر آنکه آیا این سامانه صرفاً کارکرد انتخاباتی دارد؟ آیا قابلیت به‌کارگیری از «سرا» در دیگر مسائل وجود دارد؟

یک نکته مهم این است که در همین شرایط کنونی هم این‌طور نبود که صرفاً اعضای احزاب امکان رای دادن داشته باشند. قاعده‌ای تعریف شده

که براساس آن، بر فرض دبیران کل احزاب اصلاح طلب چند ده نفر را معرفی می‌کنند که ممکن است همگی از اعضای حزب باشند اما در ادامه هر کدام از این افراد نیز چندده نفر دیگر را معرفی می‌کنند و در همین تجربه اخیر هم شاهد بودیم افرادی غیرحزبی رای دادند. ما در این سامانه دامنه به نسبت گسترده‌ای از تمامی کسانی که ادعای اصلاح طلبی تعریف کرده و مثلاً چندصد نفر در سراسر کشور به صورت مجازی دخیل خواهند بود، ضمن آنکه بحث صرفاً انتخابات نیست و حتماً می‌توانیم با استفاده از سامانه «سرا» از بدنه اجتماعی و پایگاه رای اصلاحات نظرخواهی کنیم و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در جریان اصلاحات در بحث انتخابات یا سایر مسائل کشور را به مدد خرد جمعی و نظرخواهی از این بدنه اجتماعی انجام دهیم.